

## پیش‌خوانی

**نظر و گذری بر اثر تاریخی- روایی «تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات شهیدصادق امانی» مر شد طایفه جوانمردان**

■ **شاهد توحیدی**



اسناد و شواهد حاکی از آن هستند که تنی چند از چهره‌های مؤثری که جمعیت‌های مؤتلفه اسلامی را تشکیل دادند، از تعلیمات دینی و انقلابی شهیدحاج‌صادق امانی بهره گرفته‌اند.

هم از این روی، ضرورت انجام پژوهش‌هایی، از جنس اثری که هم‌اینک به حضور‌تان معرفی می‌شود، بیشتر می‌شود. «تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات شهیدصادق امانی» به همت امین عزیزی و مجتبی سلطانی احمدی گرد آمده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی آن را منتشر ساخته است. ناشر در دیپاچه خویش بر این تحقیق، نکات ذیل را خاطر نشان ساخته است: «با توجه به اهمیت و نقش شهیدصادق امانی در تربیت کادرهای مبارز و منتدین و به‌کارگیری آنان در روند نهضت اسلامی و پیروزی انقلاب و با عنایت به فقدان یک پژوهش مستقل و کامل در این زمینه این پژوهش درصدد است، در راستای تبیین نقش شخصیت‌ها در تاریخ انقلاب با رهیافتی جدید به بررسی محیط و زمانه صادق امانی، پایگاه اجتماعی و فعالیت‌های تشکیلاتی وی در پیوند با انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) بپردازد. این اثر در پنج فصل تنظیم شده است:

در فصل اول به پیشینه خانوادگی و اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دوران تولد و پرورش امانی و همچنین پایگاه و خاستگاه اجتماعی و اقتصادی وی پرداخته شده است. در این فصل به‌طور کلی اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران از میانه دهه ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بررسی شده و تشکیل جامعه تعلیمات اسلامی و نقش و اقدامات امانی در این جامعه بررسی شده است.

در فصل دوم فعالیت‌ها و عملکرد صادق امانی از تشکیل فداییان اسلام تا آغاز نهضت امام خمینی (ره) بررسی شده است. به‌علاوه به چگونگی



■ **شهیدصادق امانی (تغزاول از راست)**

در دادگاه‌اعضای مؤتلفه اسلامی

تشکیل جمعیت فداییان اسلام و نحوه همکاری امانی بااین جمعیت، چگونگی تشکیل گروه سیاسی مذهبی شیعیان توسط امانی و دیگر هم‌زمانش نیز پرداخته شده است. در این فصل شرح داده می‌شود که امانی ضمن همکاری با فداییان اسلامی دست به تشکیل گروه مستقل دیگری به نام شیعیان زد، لذا اقدامات و عملکرد شهیدصادق امانی در گروه شیعیان و چگونگی اشعاب وی و عده‌ای دوستان – از این گروه نیز بررسی می‌شود. اوضاع سیاسی – اجتماعی ایران بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی صادق امانی در طی سال های ۱۳۳۱ تا ۱۳۴۰ از مباحث دیگر این فصل است. در این فصل از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی امانی در هیئت مسجد شیخ علی و تربیت و آموزش جوانان مذهبی توسط وی بحث می‌شود.

فصل سوم به اوضاع سیاسی ایران در سال‌های اولیه دهه ۱۳۴۰ و آغاز نهضت امام خمینی(ره) و پذیرش امام خمینی(ره) و پذیرش مرجعیت ایشان توسط امانی و پیوستن او به نهضت امام، سفر زیارتی صادق امانی به حج و عتبات عالیات و در همین برهه زمانی به نقش امانی و هیئت مسجد شیخ علی در مخالفت با تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انقلاب سفید شاه، حمله رژیم به مدرسه قیضیه و حضور امانی در آن واقعه می‌پردازد. همچنین تشکیل‌ات و سسازان هیئت‌های مؤتلفه و نقش امانی در تظاهرات عاشورای ۱۳۴۲، قیام ۱۵ خرداد و پخش اعلامیه کاپیتولاسیون، تبعید امام به ترکیه و تشکیل شاخه نظامی هیئت‌های مؤتلفه از دیگر مباحث این فصل است.

فصل چهارم این پژوهش به زمینه‌های ترور منصور و تلاش‌های امانی برای اخذ فتوای شرعی ترور منصور، انجام عملیات بدر و ترور منصور و نقش صادق امانی در این زمینه، دیدگاه امام خمینی(ره) در باره ترور، دستگیری، بازجویی و محاکمه امانی و دیگر هم‌زمانش و در نهایت شهادت آنان می‌پردازد.

در فصل پنجم و پایانی به آثار و تألیفات امانی و همچنین برخی از ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی وی پرداخته شده که در پایان هم نتیجه‌این پژوهش آمده است. برای تدوین این پژوهش سعی شد غیر از منابع کتابخانه‌ای از منابع آرشیوی و اسنادی هم استفاده شود. از برخی اسناد و خاطراتی که در آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی موجود بود به تناسب برای بخش‌هایی از پژوهش بهره گرفته شده است.

■ **سارا شجاعی**

هفدهم شهریور هر سال، موسمی است برای به چالش کشیدن انگاره عدم کشتنار مردم انقلابی که به کرات و به شیوه‌ای مبتذل، از سوی جریان موسوم به سلطنت‌طلب طرح شده است. برخی از ایشان، بر ترجیح می‌دهند تا رقم شهیدا و مجروحان حادثه را تنزل دهند و برخی دیگر، اساسا شاه را بی‌تقصیر و وبال این فاجعه را متوجه فرماندهان نظامی می‌کنند؛ به هر روی، آنان خود نیز دریافته‌اند که این کشتنار، از موانع تطهیر پهلوی است و هم از این روی، تلاش خویش را بر رفع و رجوع آن متمرکز کرده‌اند. این مقال اما، نه در صدد پاسخگویی به این جریان بی‌رقم تبلیغی که برای ارائه تصویری روشن از حد و رسم این فاجعه بزرگ به نگارش در آمده است. امید آنکه تاریخ‌پژوهان انقلاب و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **کشتار پس از دلگرمی به حمایت اربابان!**

درست در زمانی که اردوگاه کمپ دیوید، میزبان رؤسای جمهور آمریکا، مصر و رئیس رژیم‌صهیونیستی برای انجام مذاکرات سازش قرار گرفته بود، وارن کریستوفر، معاون وزیر خارجه امریکا و واشنگتن با ساریوس ونس، وزیر خارجه در کمپ دیوید بود تماس گرفت و «توصیه کرد که برزیدن کارتر، هر چه زودتر با شاه صحبت کند.» (۱) بعد از برقراری این تماس، کارتر، با شاه تلفنی صحبت کرد و «پشتیبانی امریکا را از وی در اقداماتی که برای برقراری نظم به عمل می‌آورد، تأیید کرد.»<sup>(۲)</sup> بلافاصله روزنامه‌های کیهان و اطلاعات اعلام کردند که «کارتر، با شاهنشاه مکالمه تلفنی کرد.» هم‌زمان خبرگزاری فرانسه نیز اعلام کرد که کارتر «پشتیبانی از رژیم تهران را تأیید کرده است.»<sup>(۳)</sup> با این مقدمه، نگارنده بر آن است که درباره موضوع مورد حمایت رئیس‌جمهور امریکا بنویسد: ۱۷ شهریور سال ۱۳۵۷، جمعه سیاه!

## عاریخ

کفت وگرم ۸۸۴۹۸۴۳۷



نمای از پیکر شهدای انقلاب اسلامی در پزشکی قانونی تهران ان عکس از چهلگنجیر نامی



**چند ماه پس از فاجعه ۱۷ شهریور و کشتار مردم در میدان شهدا، برخی از رسانه‌های صهیونیستی اعتراف کردند: «اسرائیل پس از افزایش موج تظاهرات مردم ایران، یک پل هوایی از فرودگاه «لد» و فرودگاه نظامی (رامات داوید) در نزدیکی «حیفا» برای رساندن ابزار مهمات قلع و قمع بدون خون‌ریزی متظاهرین برپا کرد.د. از جمله این ابزارها، تفنگ‌های پخش‌کننده گازهایی بود که حرکت و رفلکس عصبی را دچار قلع رفلکس عصبی را دچار قلع می‌کرد.»**

**گذری بر زمینه‌ها و پیامدهای رویداد خونین ۱۷شهریور ۱۳۵۷**

# هزاران فیش برای دفن جنازه‌ها صادر شد!

■ **خوانش ماجرا از مبدأ راهیمیایی**

**۱۶شهریور**

بعد از تظاهرات موفق و مسالمت‌آمیز مردم در اعتراض به حکومت شریف امامی در تاریخ سوم شهریور و بعد از برگزاری نماز عید فطر، در جلسه روحانیت مبارز توسط شهیدبهشتی اینگونه استدال می‌شود: «حالا که مردم آمدند، نباید در این حرکت مردمی فترت ایجاد شود، پس از مردم به راهیمیایی دعوت شد.» شهیدمحلّاتی در خاطرات خود می‌نویسد که «بعد از راهیمیایی عیدفطر، به این نتیجه رسیدیم که‌این کار باید با نظم و ترتیبی ادامه یابد، جلسه‌ای گذاشتیم و از صبح تا غروب دور هم بودیم و تصمیم گرفتیم که روز پنج‌شنبه ۱۶ شهریور راهیمیایی بکنیم.» (۴)
نابر گزارش ساواک، تظاهرات روز ۱۶ شهریور کامنطقه قیطر، ونسک، پهلوی (ولی‌عصر)‌ژاله و مناطق جنوب شهر شروع شد و جمعیت‌ها در شاهرضا (انقلاب) و ایزنهاور (آزادی) به هم پیوستند و ساعت ۱۸:۳۰ به میدان شهید (آزادی) رسیدند. طول صف‌های راهیمیایان به چند کیلومتر می‌رسید. ناظران این راهیمیایی را تا یک میلیون نفر تخمین زدند. (۵)
بر روایت حجت‌الاسلام‌ناطق‌نوری، نزدیک غروب بود که جمعیت به میدان آزادی رسید. جمعیت سخنرانی کند. از او دعوت کردند روی یک آمبولی پارک شده برود، وی این اقدام را بدون اجازه صاحبش غاصبانه شمرد و امتناع کرد. بشکله‌ا را پیدا کردند و ایشان روی آن ایستاد و سخنرانی کرد. آیت‌الله بهشتی در پایان سخنرانی اعلام کرد: «جامعه روحانیت فردا (۱۷ شهریور) برنامه ندارد.» با این وجود عده‌ای از مردم در راهیمیایی بزرگ ۱۶ شهریور فریاد می‌زدند: «فردا صبح در میدان ژاله.»<sup>(۶)</sup>

■ **حکومت نظامی تنها چاره شاه**
توفیق چشمگیر در نظم‌دهی و حضور پر قدرت

منتشر شده‌است - می‌گوید: «روز ۱۷ شهریور بنا نبود که تظاهراتی بشود و جامعه روحانیت هم در این مورد اعلامیه رسمی نداد. حتی دکتربهشتی وقتی شنیدند که قرار است اجتماعی در میدان ژاله بشود، اظهار بی‌اطلاعی و نگرانی کردند که چه خواهد شد؟ وقتی حادثه واقع شد، مردم با ما تماس گرفتند که چه بکنیم؟ من خودم منزل بودم. دوستانی که در حول و حوش آن میدان بودند، می‌پرسیدند مردم چه کنند؟ حمله کر دهاند، شهدا و مجروحان هستند. اصل قضیه به یک معنا حرکت خودجوشی بود و در باطن به نفع انقلاب شد. البته شهدا زیاد بودند، ولی روحانیت بنا نداشت که چنین حادثه‌ای واقع شود. حدسی که آن زمان زده می‌شده، این بود که دستگاه پهلوی می‌خواست از این جمع سوءاستفاده کند و شاید مایل بود چنین جمعی پیدا شود و زهر چشمی بگیرد، بنابراین آنها بدون اعلام قبلی، به‌عنوان حکومت نظامی مردم را بر گبار بستند و فکر می‌کردند که این آخرین حرکتی است که مردم انجام می‌دهند و با این کار می‌توانند مردم را به تسلیم وادار و انقلاب را سرکوب کنند.» (۱۱)

■ **سربازان اسرائیلی در صف شلیک‌کنندگان!**
براساس یک گزارش از ساواک به تاریخ ۱۸ شهریور ۱۳۵۷: «متعاقب اطلاعیه‌هایی که ساعت ۲۱ روز ۱۵ شهریور ۵۷ مبنی بر پیاده نمودن کوماندوهای اسرائیلی به وسيله سه هواپیمای اسرائیلی در پادگان جسی تهران در بازار شانزدهلیزه واقع در خیابان شاه نصب گردیده بود، این موضوع در بین مردم قوت گرفته است، چون سربازان ایرانی از تیراندازی به سوی مردم خودداری می‌نمایند، لذا دولت اقداماتی به عمل آورده که سربازان اسرائیلی به سوی مردم بی‌گناه تیراندازی نکنند و آنها را برحمانه بکشند» چندماه پس از فاجعه ۱۷ شهریور و کشتار مردم در میدان شهدا، برخی از منابع مانند مجله سیکراهود شیت (مجله نظامی اسرائیل)، مجله همولاام هزیه، هار تسودافار در اواخر سال ۹۷۸ امیسلادی، از نقش رژیم‌صهیونیستی در فاجعه «جمعه سیاه» پرده برداشتند. این رسانه‌ها اعتراف کردند اسرائیل پس از افزایش موج تظاهرات مردم ایران، یک پسل هوایی از فرودگاه «لد» و فرودگاه نظامی (رامات داوید) در نزدیکی «حیفا» برای رساندن ابزار مهمات قلع و قمع بدون خون‌ریزی متظاهرین برپا کرد. از جمله ایس‌اِبر‌ها، تفنگ‌های پخش‌کننده گازهایی بود که حرکت و رفلکس عصبی را دچار قلع می‌کرد. رسانه‌های خارجی همچنین افزودند: «دولت اسرائیل یک گروهان از افراد ورزیده در جنگ‌های یارتیزانی و ساواکوز و قلع و قمع‌های شهری به تهران ارسال داشت. این گروهان تابع اداره اطلاعات ارتش اسرائیل است که با اجازه نهایی شسین. ب (اداره اطلاعات و ضداطلاعات نخست‌وزیری اسرائیل) باید عمل کند. فرمانده این گروهان رهیماع زیبکی بود که سابقا فرمانده پخش میانه اسرائیل در دهه ششم و سپس مشاور نخست‌وزیر در مسائل مبارزه با تروریسم و کاربرد مهمات مخصوص و تکنیک‌های آن در این زمینه شد.» در ادامه گزارش‌های این مطبوعات آمده بود: «این واحد به‌وسيله هواپیمای شرتک ال عال اسرائیل، به تهران منتقل شد و در وقت خود در قلع و قمع تظاهرات در شهرهای بزرگ ایران، موفق گردید. در این گروهان، تعداد زیادی افراد یهودی -ایرانی که زبان فارسی خوب می‌دانستند نیز وجود داشتند. به‌علاوه تمامی این گروهان در تهران، ملیس به لباس نظامی ارتش ایران شدند. مسئولان ایرانی برای کتمان این موضوع، شایع کردند که افراد این گروهان از بلوچستان ایران می‌باشند! علاوه بر این از پایگاه کوچک نظامی نزدیک آبادان و بندرعباس که توسط اسرائیل اداره می‌شود برای تمرین کادرهای ضدشورش شهری استفاده گردید.»<sup>(۱۲)</sup>

■ **آمار شهدای واقعه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷**

در خصوص آمار شهدای واقعه جمعه سیاه، ادعاهای متفاوت و متناقض مطرح شده است. این در حالی است که این موضوع، به خودی خود از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. آنچه شاهدان عینی و اقوال نقل می‌کنند کشتار بزرگ‌ه‌ایزی شده و گسترده‌ای است که برخی اسناد به دست آمده نیز آن را تأیید می‌کند. از جمله در گزارشی از ساواک به تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۵۷ که به گفت‌ووی محرمانه عبدالکریم کنی بااحمد بنی‌احمد، نماینده مجلس شورای ملی اشاره می‌کند، آمده است: «عبدالکریم کنی، فرزند شیخ، حیم کنی گفت‌وگویی به شرح زیر با احمد بنی‌احمد انجام داده است. عبدالکریم کنی: شما درباره کشته‌شدگان صحبت کردید. من چند روز قبل در جایی بودم یکی از مأموران بانک ملی بهشت‌زهار رقم دقیقی از کشته‌شدگان دارد و گفت من ۲ هزار و ۲۰۰ فیش برای دفن جنازه صادر کردم و در حال حاضر هزار جنازه دیگر است که شماره گذاری شده و آماده است و رقم به چندین هزار می‌رسد.»<sup>(۱۳)</sup>

بعد از جنایت کشتار مردم در ۱۷ ششهریور، خبر حمایت مجدد کارتر از شاه منتشر شد. امام خمینی در عکس‌العمل به این پیام کارتر، در مصاحبه با رادیو تلویزیون فرانسه اظهار داشتند: «آقای کارتر که برای یک زندانی در شوروی آقندر هیاهو در آورد، پس از کشتارهای پیاپی شاه، پشتیبانی خود را از او دریغ نکرد… این به خاطر این است که امریکا فقط به دنبال منافع خود است.»<sup>(۱۷)</sup>



بعد از جنایت کشتار مردم در ۱۷ ششهریور، خبر حمایت مجدد کارتر از شاه منتشر شد. امام خمینی در عکس‌العمل به این پیام کارتر، در مصاحبه با رادیو تلویزیون فرانسه اظهار داشتند: «آقای کارتر که برای یک زندانی در شوروی آقندر هیاهو در آورد، پس از کشتارهای پیاپی شاه، پشتیبانی خود را از او دریغ نکرد… این به خاطر این است که امریکا فقط به دنبال منافع خودش است.»

## ۹۰ روزنامه جان | شماره ۱۹-۶۰

■ **به روایت شهود عینی**
شاهدان عینی و حاضران در صحنه فاجعه ۱۷ شهریور خاطرات تلخی از کشتار مردم در آن جمعه سیاه دارند. در کتاب «تاریخ شفاهی قیام ۱۷ شهریور ۱۳۵۷» که توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده به نقل از یکی از شاهدان عینی جنایت رژیم‌پهلوی در میدان ژاله تهران آمده است: «خانه ما نزدیک میدان نمی‌توانستیم به خانه برویم. سربازان حتی به خیابان‌های اطراف هم می‌آمدند. در نزدیکی میدان، پاساژی را می‌ساختند، ما هم داخل ساختمان نیمه‌کاره آن رفتیم. پشت بام پر از ساواکی بود. ما دیدیم که آن پایین تعداد زیادی از مردم را کشتند.»

یکی دیگر از ناظران واقعه نیز که در آن زمان در اطراف میدان شهدا مغازه داشت، چنین می‌گوید: «در آن روز می‌خواستیم به مغازه بروم که به علت شلوغی زیاد مانع شدند. از خیابان به طرف میدان شهدا رفتم. دیدم مردی تیر خورده است و از بدتش خون می‌آید. عده‌ای هم این مجروح را روی دست گرفته بودند و می‌بردند. من، همسر و بچه‌هایم شاهد بودیم که جوانی پس از گرفتن نان از فرعی وارد خیابان ۵ شد و مورد اصابت گلوله نظامیان قرار گرفت و در جاله‌ای که برای کابل تلغن کنده بودند، افتاد. من و چند نفر دیگر استسیم برای نجاتش برویم که با گلوله به سمت ما شلیک شد. جوان بیچاره دست و پامی‌زد. یکی از کاسب‌های محل در جاله خوابید و به سمتش رفت. بعد آمبولانس آمد و جنازه شهید را برد.» در آن روز، رژیم شاهنشاهی حتی به کودکان هم رحم نکرد و بار دیگر دست خود را به خون ملت ایران آلوده کرد. یکی از افرادی که شاهد کشته‌شدن کودکی در مقابل پدر و مادرش بود، می‌گوید: «یک بنده خدایی را در خیابان شکوفه در خانه‌شان را زدند. او بچه هسلان خانه بود. نمی‌دانم حالا آن خانه را فروخته‌اند یا نه، ولی تا چندی قبل جای گلوله‌ها روی در آهنی بود. در آن روز چند گلوله به در خورده بود و آنها آن بچه را جلوی پدر و مادرش کشتند.»<sup>(۱۵)</sup> باوجود این اسناد، اما رژیم شاهنشاهی تعداد کشته‌شدگان واقعه را تنها ۸۷ نفر اعلام می‌کند!<sup>(۱۶)</sup>

■ **حمایت کارتر از ایجاد «جمعه سیاه»**

حمایت‌های فوری و دلگرم‌کننده رؤسای دولت امریکا از اقدام محمدرضا پهلوی در واقعه کشتار گسترده مردم بی‌دفاع در روز هفدهم شهریور، بار دیگر این گزاره را در ذهن مخاطبان تاریخ پر فراز و نشیب ایران زنده می‌کند که سلطنت‌طلبان از یکسو و دنبال‌کنندگان ایده لیبرالیسم از سوی دیگر، گرچه هر گروه به ظاهر سو به‌خاطر خویش را دارند، اما این اختلاف و دودیت، برای تقابل با جمهوری اسلامی کنار می‌رود و تبدیل به دوستی دیرینه آن دو می‌شود! چرا که محل تاقی‌خاموشی که در وی آنها، دقیقاً تضعیف و نابودی این نظام است. هنگامی که پس از کشتار مردم بی‌گناه، خبر حمایت مجدد کارتر از شاه به امام خمینی رسید، ایشان در عکس‌العمل به این پیام و در مصاحبه با رادیو تلویزیون فرانسه اظهار داشتند: «آقای کارتر که برای یک زندانی در شوروی آن قدر هیاهو در آورد، پس از کشتارهای پیاپی شاه، پشتیبانی خود را از او دریغ نکرد… این به خاطر این است که امریکا فقط به دنبال منافع خودش است.»<sup>(۱۷)</sup>

■ **منابع**

۱- ساریوس ونس، توطئه در ایران، ترجمه محمود طوعی، انتشارات هفته، تهران، ۱۳۶۱، ص۲۵

۲- ویلیام سولیوان، مأموریت در ایران، ترجمه محمود مشرقی، انتشارات هفته، تهران ۱۳۶۱، ص ۱۱۵

۳- روزنامه کیهان و اطلاعات ۱۳۵۷/۶/۲۰

۴- خاطرات و مبارزات شهیدمحلّاتی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۹۴

۵- یک سال مبارزه برای سرتنگونی رژیم شاه (بهمن ۱۳۵۶ تا بهمن ۱۳۵۷)، روح‌الله حسینیان، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۳۳۴

۶- خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین ناطق‌نوری، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۳۰

۷- روزنامه کیهان، ۱۳۵۷/۶/۱۸، ص ۵

۸- انقلاب اسلامی ایران به روایت اسناد ساواک، کتاب یازدهم، ص ۴۴-۴۹

۹- همراه یاک پیکر، ولی‌الله چه‌پور، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰، تهران

۱۰- انقلاب اسلامی ایران به روایت اسناد ساواک، همان

۱۱- خاطرات آیت‌الله مهدوی کنی، محمدرضا مهدوی کنی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۸۵

۱۲- سه شاهد عینی از نقش رژیم صهیونیستی در قتل عام مردم ایران در ۱۷ شهریور، مرکز اسناد انقلاب اسلامی http://www.irdc.ir

۱۳- گزارش ساواک درباره آمار شهدای ۱۷ شهریور، مرکز اسناد انقلاب اسلامی http://www.irdc.ir

۱۴- ایران بین دو انقلاب، یرواند ابراهامیان، ترجمه احمد گل‌محمدی، نشرنی، ۱۳۷۷، ص ۶۶۵

۱۵- تاریخ شفاهی قیام ۱۷ شهریور، محمد طحان، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۶

۱۶- ایران بین دو انقلاب، همان

۱۷- صحیفه امام، جلد سه، ص ۴۷